

سخن هفته: مردم بدنبال نان و حکام در پی حفظ قدرت!

سران حکومت درگیر بازی‌های سیاسی‌اند، اما آن طرف مردم گرسنگی می‌کشند. اخیراً سخنگوی برنامه غذایی جهان گفته است که این احتمال وجود دارد تا پایان سال ۲۰۲۰م بیش از ۱۵ میلیون نفر از شهروندان افغانستان دچار مشکل نبود امنیت غذایی شوند. این در حالی است که وحیدالله امانی، سخنگوی WFP به رادیو آزادی گفته که تعداد نیازمندان به مواد غذایی در افغانستان افزایش یافته است. او گفته است که "بیش از ۱۲ میلیون نفر در افغانستان در اوایل سال ۲۰۲۰م با عدم مصونیت غذایی روبه رو بودند. اما پیش‌بینی این است که با آمدن ویروس کرونا این رقم چند میلیون افزایش یافته باشد".

سخنگوی WFP همچنان بیان کرده که "تخمین ما این است که تا پایان سال جاری میلادی، ۱۵ میلیون یا بیش از آن در افغانستان با عدم امنیت غذایی رو به رو شوند". او همچنان می‌افزاید که ۶۰ درصد این افراد را کودکان تشکیل خواهند داد.

با وجود آنکه افغانستان دارای یکی از بزرگ‌ترین گنج‌های معدنی در جهان است و ارزش ذخایر معدنی آن نیز یک تریلیون دالر تخمین زده می‌شود، اما باز هم در جمع فقیرترین کشورهای جهان به شمار می‌رود، تا جایی که امروز مردم آن دچار مشکل نبود امنیت غذایی‌اند. با این وجود می‌توان گفت که اگر واقعاً نظام حاکم در پی رسیدگی به مشکلات مردم می‌بود، قبل از این فقر و ناداری از این سرزمین ریشه‌کن می‌گردید. این در حالی است که همواره برای ریشه‌کن کردن معضل فقر پروژه‌های مختلفی که بیشتر جنبه نمایشی داشته روی دست گرفته شد، اما به هیچ صورت راه‌حل اساسی برای ریشه‌کن کردن این معضل ارائه نگردید. از جانب دیگر، سرازیر شدن میلیاردها دالر در این سرزمین نیز کمکی برای از میان بردن فقر نکرد و تنها یک قشر خاص با استفاده از فساد که در تار و پود این نظام جای دارد، به سرمایه‌های خود افزودند.

علاوه بر این، چنان به نظر می‌آید که نظام حاکم نیز در حل مشکلات مردم به بن‌بست خورده و یا همچنان درگیر بازی‌های سیاسی و در پی حفظ قدرت‌اند که رسیدگی به مشکلات مردم اصلاً در دستور کارشان قرار ندارد. چنین حالتی که مردم بدنبال نان‌اند و حکام آن در پی حفظ قدرت، ناکارایی نظام حاکم را به اثبات می‌رساند، تا جایی که دیگر مردم امیدی به آنان ندارند. در کنار فقر و ناداری که از دیر زمان مردم را حتی بیشتر از هر معضل دیگر خسته و درمانده ساخته است مشکلات دیگری؛ از جمله: عدم امنیت جانی و مالی، بیکاری و عدم اشتغال نسل جوان و تحصیل کرده، فساد و صدها مشکل دیگر مردم را به ستوه آورده و شرایط زندگی را برای آنها دشوار و دشوارتر ساخته است. نظام حاکم چنان شرایطی را بالای مردم بیچاره آورده که حتی بدنبال تغییر حالت بد موجود نیستند؛ برای آنها فقط این مهم است که چطور یک وعده نان بدست آورند.

بدون شک این حالت زمانی از میان خواهد رفت که مردم به راستی داشتن نظام و حاکمی را تجربه کنند که تمام هم و غم‌اش رسیدگی به مشکلات مردم باشد. اما نظامی که در آن از دست‌رخوان اکثریت فقیر و نادار کاسته و به سرمایه یک عده محدود که شب و روز خود را در عیش و نوش سپری می‌کنند، افزوده می‌شود و اولویت سران آن نیز جز رسیدگی به منافع سیاسی شان چیز دیگری نیست، نمی‌تواند به امور مردم توجه خاص داشته و امور آنها را به درستی سرپرستی کند. مردم افغانستان به حاکمی نیاز دارند که از ترس این که مبادا رعیتش شب گرسنه بخوابند لحظه‌یی آرام نگیرد.

سهیل صالحی